

بررسی حق سکوت متهم در آیین دادرسی کیفری از منظر «بزه دیده شناسی»

محمد علی قاسمی^۱، محمد مقدم فرد^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی
^۲ استاد راهنما، مدرس گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

چکیده

حق سکوت حقی تنها و مجزا از سایر حق ها نیست، بلکه ترکیبی از آنهاست وقتی از حق سکوت سخن گفته می شود، فرض بی گناهی، تکلیف دادستان به اثبات رکنهای تشکیل دهنده جرم و منع شکنجه متهم برای گرفتن اقرار و اطلاعات به ذهن متبادر می شود. این حقها را می توان تضمین کننده حق سکوت متهم نامید که بر پایه اصل آزادی بیان و لزوم رعایت کرامت و شرافت متهم استوار است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، موضع اتخاذی در برابر این دسته از حقوق را شناسایی نماییم و میزان صیانت از آن را به چالش بکشیم. حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقرره‌های بین المللی از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است. با این وجود در قوانین عادی اقدامات لازم و موثری در جهت تحقق بخشیدن به این دسته از حقوق صورت نگرفته است. یک جنبه از این حقوق، حق سکوت متهم در مراحل تعقیب، تحقیق و دادرسی است که در قانون ۱۳۹۲ بر خلاف قانون سابق بخوبی تشریح شده است. حق سکوت متهم موافق اصول بشر است. هیچ مقامی اعم از قضایی و انتظامی نباید متهم را مجبور به اقرار به مجرمیت یا اقرار به عمل نکرده، نماید یا او را مجبور کند که علیه خود دروغ بگوید. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت به ممنوعیت اخذ اقرار از طریق توسل به اکراه و اجبار اشاره کرده است. ضمن آن که سکوت متهم را نمی توان دلیل بر صحت واقعه یا تایید آن تلقی کرد. چراکه اگر سکوت متهم را به زبان او تفسیر کنیم، خود به خود حق سکوت را از او سلب کرده ایم. از جمله مسائل مهم جرم‌شناسی این است که چرا بزه‌دیدی ثانوی اتفاق می افتد. با دستگیری و مجازات مجرم از یک سو و تجارب حاصل از وقوع جرم برای بزه‌دیده از سوی دیگر، انتظار آن می رود که بزه‌دیده دیگر بار آماج جرم قرار نگیرد؛ اما تحقیقات میدانی و آمارها خلاف این را نشان می دهد، یکی از دیدگاهها در باره علل بزه‌دیدی ثانوی، نظریه انتخاب منطقی بزهکاران است. مطابق این نظریه، بزهکاران آماج های بالقوه خود را با حسابگری انتخاب می نمایند. یکی از نتایج این نظریه پذیرش این مسئله است که تحلیل منطقی از موقعیت ها در مواردی زمینه بزه‌دیدی مجدد برخی بزه‌دیدگان را فراهم می سازد.

واژه‌های کلیدی: متهم، حق سکوت، بزه دیدگی ثانویه، آئین دادرسی کیفری، دادرسی منصفانه.

مقدمه

حق سکوت متهم^۱ یکی از ویژگی‌های برجسته این قانون است و به موجب این قانون متهم می‌تواند صحبت نکند و سکوت اختیار کند و تقاضای حضور وکیلش را داشته باشد. این موضوع برای اولین بار است که در قانون به صراحت آمده است؛ که «قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطین را مکلف کرده که حقوق دفاعی متهم را همانند حق سکوت و داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) به رسمیت بشناسند» در رویه معمول اگر وکلا از جانب متهم اعلام وکالت می‌کردند عملاً یا وکالت‌شان پذیرفته نمی‌شد یا غیرقانونی بود و یا در صورت پذیرش اجازه مداخله و مطالعه پرونده و ارائه لوایح را به آنها نمی‌دانند، اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که در اکثر جرایم به محض اینکه متهم تحت نظر قرار گرفت حق دارد که وکیل داشته باشد و در جرایم خاص (مواد مخدر) و سازمان یافته متهم تا یک هفته پس از تحت نظر قرار گرفتن حق ندارد وکیلی داشته باشد و بعد از آن می‌تواند وکیل داشته و حتی در بدو امر با وکیلش ملاقات کند. «در قانون جدید آیین دادرسی کیفری حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در جرایمی که مجازات آنها سلب حیات بوده الزامی است» اگر کسی نتواند در جرایمی که این مجازات را دارد وکیلی داشته باشد، می‌تواند وکیل تسخیری داشته باشد و برای اولین بار است که در قانون آمده که وکیل می‌تواند از مرحله تحقیقات مقدماتی حضور داشته باشد. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری آمده که نهادهای حمایتی می‌توانند در جرایم خاص که موضوعش مجنی‌علیه یا جرم است از متهم حمایت کنند. در صورتی که در قانون سابق مداخله‌کننده در پرونده کسی بود که ذی‌نفع باشد مانند شاکی، مدعی خصوصی، وکیل و مدعی العموم اما اکنون نهادهای حمایتی می‌توانند اگر به عنوان مثال شرکتی محیط زیست را آلوده کرد یا جرمی علیه کودکان رخ داد از آن حمایت کنند.

«یکی دیگر از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری مداخله مردم در جرایم مشهود است» این موضوع مشمول ماده ۳۰۲ این قانون می‌شود و اگر ضابط قضایی حضور نداشته باشد قانونگذار به مردم اجازه داده که از فرار متهم و از بین بردن آثار جرم جلوگیری کنند.

در قانون سابق آیین دادرسی کیفری ۵ نوع قرار تامینی اعم از کفالت، بازداشت موقت، التزام و وثیقه داشتیم ولی در قانون جدید ۱۰ نوع قرار تامینی داریم که افزایش قرارهای تامینی به نفع متهمان و جامعه است. همچنین در مواد ۳۲ و ۳۵ قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، الزام و اختیاری برای بازداشت موقت در نظر گرفته شده بود اما اکنون طبق مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری امکان صدور بازداشت موقت با موارد مندرج در ماده ۲۴۸ پیش‌بینی شده است. طبق تبصره ماده ۲۴۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری دیگر الزامی برای صدور بازداشت موقت نداریم و طبق این تبصره تمامی موارد صدور قرار بازداشت موقت الزامی از بین می‌رود و ملغی می‌شود و طبق موارد مندرج در ماده ۲۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مقام تحقیق اختیار دارد که بازداشت موقت صادر کند یا نکند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

بررسی حق سکوت متهم در آیین دادرسی کیفری از منظر «بزه دیده شناسی» می‌باشد.

اهداف فرعی

۱. تبیین این مساله که می‌توان سکوت متهم را قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرد و مراجع تحقیق چه تکلیفی درخصوص رعایت این حق دارند.
۲. شناسایی این مساله که مهم‌ترین مبنایی که برای حق سکوت می‌توان ذکر کرد اصل برائت است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا می‌توان سکوت متهم را قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرد و مراجع تحقیق چه تکلیفی درخصوص رعایت این حق دارند؟
- ۲- آیا قضات و ماموران تحقیق، تکلیفی برای آگاه کردن متهم به داشتن چنین حقی (سکوت) دارند؟

فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد مهم‌ترین مبنایی که برای حق سکوت می‌توان ذکر کرد اصل برائت است و مفاد این اصل حاکی از آن است که با متهم تا قبل از اثبات مجرمیت همواره باید به عنوان یک فرد بی‌گناه برخورد کرد.
- ۲- به نظر می‌رسد می‌توان سکوت متهم را قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرد و مراجع تحقیق تکلیف خاصی در خصوص رعایت این حق ندارند.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

مقدسی، محمد باقر رویکرد تطبیقی به معیارهای ناظر بر بازجویی پلیسی (با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) فصلنامه کارآگاه، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۳ صص ۷-۲۲

اعطای حق بازجویی به کارکنان نظام عدالت کیفری، مانند پلیس، از جمله تدابیری است که نظام های عدالت کیفری برای کشف حقیقت پیش بینی کرده اند. بر اساس این حقوقی، بازجویی عبارتست از: تحقیق از متهم در مورد مشارکت احتمالی وی در ارتکاب جرم. در نظام های مختلف کیفری در کنار اعطای حق بازجویی به پلیس، تدابیری اتخاذ شده که جلوی هرگونه تعدی احتمالی به حقوق و آزادی های متهم گرفته شود. پذیرش حق سکوت، ممنوعیت شکنجه، فریب و اغفال متهم و لزوم ثبت و ضبط بازجویی از مهم ترین این تدابیر است. در مقررات داخلی، به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، برخی از این حقوق از جمله حق سکوت، ممنوعیت شکنجه، فریب و اغفال به صراحت و برخی دیگر، از جمله ثبت و ضبط بازجویی به صورت ناقص پذیرفته شده است. این مقاله تلاش دارد تا با رویکردی تطبیقی و با تمرکز بر قانون آیین دادرسی کیفری جدید، مهم ترین معیارهای ناظر بر بازجویی پلیسی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و راهکارهای مناسب برای ارتقای رعایت موازین دادرسی ارایه کند.

صالحی جواد سکوت؛ جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه فصلنامه مطالعات حقوقی، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸ صص ۶۹

حقوق دفاعی متهم؛ به عنوان یکی از مولفه های دادرسی عادلانه، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در اختیار متهم قرار می‌گیرد تا این که حقوق و منافع وی تامین گردد. یکی از مصادیق بارز حقوق دفاعی متهم، حق سکوت وی در کلیه مراحل دادرسی؛ مرحله تعقیب و انتساب اتهام تا مرحله اجرای حکم است، که از جمله مباحث چالش برانگیز حقوق جزای مدرن است. رعایت حق سکوت از یک سو، منافع جامعه را در سهولت کشف جرم و تعقیب مجرم به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر، عدم رعایت آن، موجب تحدید حقوق مسلم متهم، در فرایند دادرسی منصفانه می‌شود. حق سکوت اختیاری متهم، برای متهمی که واقف به داشتن چنین حقی است، از اصول بدیهی است؛ اما الزام قانونی مقامات تعقیب، تحقیق و رسیدگی با توجه به آموزه های حقوق بشری و قرائت های نوین از مولفه های اصل برائت؛ مبنی بر اعلام چنین حقی به متهم، با بی‌مهری مقنن داخلی مواجه شده است. سوال این است که اگر متهم از حق سکوت خویش در مقابل مقامات قضایی ناآگاه باشد، تکلیف چیست؟ در این مقاله سعی می‌شود تا با بررسی قوانین آیین دادرسی و اسناد بین المللی، تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده آن در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات مشخص گردد.

کریمی عباس، رحیمی پور ایمان قواعد حاکم بر استجواب کیفری فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ صص ۳۰۱-۳۲۵

مراحل مختلف رسیدگی به امور کیفری اعم از مرحله ی کشف جرم و تعقیب مجرمین، مرحله ی تحقیق و جمع آوری ادله و در پایان مرحله صدور رای، هر کدام ویژگی های خود را دارا می‌باشند که می‌بایست به طور خاص مورد بحث و بررسی قرار گیرند. در مرحله ی تحقیق یکی از محوری ترین مباحث، بحث استنطاق از متهم است. گر چه در معنای اعم کلمه استنطاق شامل تمام مراحل تحقیقات مقدماتی می‌شود، اما در معنای اخص که مد نظر ماست، مرحله ی سوال و جواب از متهم و یا به عبارت دقیق تر استجواب از وی را شامل می‌شود. این حق، هم در ارتباط با اصل استجواب قابل طرح است و هم در کیفیت استجواب. در مبحث نخست میزان اعتبار ادله اخباری و احرازی که از طریق اجبار متهم تحصیل شده و لزوم حق سکوت و

میزان تاثیر آن در اثبات جرم بررسی می شود و سپس در مبحث دوم بر کیفیت استجواب، اهمیت تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع در کنار منع تلقین محتوای پاسخ و غافلگیری متهم تاکید می شود. بنابراین، بیشتر سعی بر آن شده نمونه های عملی هر یک از حقوق متهم بیان شده و همچنین رویه بعضی از نظام های حقوقی (رومی ژرمنی و کامن لا) مورد بررسی قرار گیرد تا راهنمای مناسبی برای استجواب کیفری به دست داده شود.

صالحی، همکاران (۱۳۹۲) مروری بر مبانی مسوولیت پزشک از دیدگاه فقهای شیعه با تامل بر اصل برائت مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره ۳، مرداد ۱۳۹۲ صص ۱۷-۲۹

در فقه شیعه در باب مسوولیت پزشک با عنوان «ضمن طبیب» دو نظریه ی عمدۀ مطرح است. اکثر فقها (مشهور) پزشک حاذق و ماهر را اگر چه مرتکب تقصیری نشده باشد، ضامن می دانند؛ در مقابل، اقلیت فقها (غیرمشهور) وی را ضامن نمی دانند که عمدۀ دلایل آن ها اصل برائت است. قانون مجازات اسلامی نیز به پیروی از نظر مشهور، مسوولیت مطلق را پذیرفته است. این در حالی است که اصل برائت به علت دارا بودن مبانی دینی، اخلاقی و انطباق با سرشت انسان ها به عنوان یکی از اصول اساسی و بنیادین حقوق جزا پذیرفته شده و به دلیل عنایت خاصی که دین مبین اسلام به آن مبذول داشته، در قانون اساسی کشور ما هم چون قوانین اساسی و عادی دیگر ملل متمدن دنیا گنجانده شده است. هم چنین، امروزه، با ابداع روش های جدید درمانی و تخصصی شدن اعمال پزشکان برای جزء جزء بیماری های مرتبط با جسم و روان افراد، ضمن حساس تر شدن اعمال پزشکی، حوادث پزشکی نیز به تبع آن افزایش یافته و مفهوم تقصیر پزشکی جنبه ی خاص به خود گرفته است که تامل بر اصل برائت را ضروری تر می کند. از این رو، پژوهش حاضر برآن است با تکیه بر اندیشه های اندیشمندان حقوقی و تالیفات فقها و اصول و قواعد فقهی، اصل طلایی برائت را در مورد پزشکان که مظهر شفابخشی خدا هستند، بیش از پیش مورد توجه قرار دهد.

روش تحقیق:

روش اجرای این تحقیق توصیفی می باشد. اطلاعات گردآوری شده به صورت کتابخانه می باشد و از اسناد و مقالات و مدارک موجود تهیه گردیده است. ابزار گردآوری در این پژوهش وجود ندارد چون روش کار به صورت توصیفی می باشد و با توجه به توصیفی بودن مطالب اطلاعات جمع آوری شده به صورت فیش برداری بوده و محقق ضمن مطالعه اقدام به تحلیل نموده است. با استفاده از روش فیش برداری مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تعاریف حق سکوت

حق سکوت حقی تنها و مجزا از سایر حق ها نیست، بلکه ترکیبی از آنهاست. وقتی از حق سکوت سخن گفته می شود، فرض بی گناهی، تکلیف دادستان به اثبات رکن های تشکیل دهنده جرم و منع شکنجه متهم برای گرفتن اقرار و اطلاعات به ذهن متبادر می شود. این حق ها را می توان تضمین کننده حق سکوت متهم نامید که بر پایه اصل آزادی بیان و لزوم رعایت کرامت و شرافت متهم استوار است. اهمیت فرض بی گناهی برای حق سکوت آن است که فرض بی گناهی تکلیف به اثبات مجرمیت متهم فراتر از شک معقول را برعهده دادستان قرار می دهد. نمی توان متهم را ملزم به کمک به دادستان برای اثبات اتهام علیه وی کرد. جنبه دیگر بحث سکوت متهم امکان یا عدم امکان استنباط های مخالف (به ضرر او) و الزام متهم به پاسخ دهی به پرسش ها است. در واقع، تفسیر سکوت به ضرر متهم و سرانجام تلقی سکوت به منزله اماره مجرمیت موجب وارونه شدن تکلیف اثبات و استقرار آن برعهده متهم می شود. این پژوهش ضمن بررسی مفهوم حق سکوت و وضعیت آن در حقوق ایران و برخی کشورهای دیگر، در مقام پاسخ گویی به پرسش های مربوط به این حق است. (ناصرزاده، ۱۳۹۲: ۶۶)

تعریف حقوق متهم

حقوق متهم در مرحله کشف جرم عبارت است از اقدام هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتكابی انجام می شود. (مؤذن زادگان،

۱۳۷۷: ۱۳۱)

مفهوم بزه در لغت

بزه در لغت به معنای گناه، ذنب و خطا آمده است. (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۷۰)

مفهوم بزه در اصطلاح

جرم یا بزه هرگونه رفتار یا ترک رفتاری است که قانون را نقض می‌کند و برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده است. جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است. اهمیت نسبی جرایم مختلف و شیوه‌ی کیفر دادن فعالیت‌های مجرمانه، در طول تاریخ و در جوامع مختلف، متفاوت بوده است. (آقا بخشی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

تعریف بزه دیده:

بزه دیده‌شناسی را دکتر کی‌نیا چنین تعریف می‌کند: بزه دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد؛ بنابراین شناخت بزه دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش‌نویس است. در این دانش شخصیت، صفات زیستی، روانی و اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۸) بزه‌دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد؛ می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد، فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای قرار می‌گیرد ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد به عبارتی همان‌گونه که جرایم متنوع هستند بزه دیدگان هم متنوع و گوناگون‌اند. (لازرژی، ۱۳۸۷: ۲۷۶)

حق سکوت متهم در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی

از جمله اصول و قواعدی که مبنای حقوق کیفری بوده و یکی از معیارهای دادرسی عادلانه محسوب می‌شود، رعایت اصل برائت یا فرض بی‌گناهی هم در مرحله تقنینی و هم در مرحله اثباتی (قضایی) است. بر مبنای این اصل که در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها پیش‌بینی شده است، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود تا هنگامی که مطابق تشریفات دادرسی عادلانه، جرم او در دادگاه صالح و بی‌طرف به اثبات برسد. (مؤذن زادگان، ۱۳۷۷: ۱۳۰)

تمامی شهروندان، زمانی که به‌عنوان متهم در پیشگاه قضا قرار می‌گیرند، از یکسری حقوق و تضمینات دفاعی در سایه اصل برائت برخوردارند که در نگاه کلان مجموعه ارکان نظام حاکم بر یک کشور و به طور خاص نظام عدالت کیفری موظف و مکلف به رعایت این حقوق هستند و نقض آن در هر یک از مراحل دادرسی اعم از مرحله تحقیقات و بازجویی و رسیدگی نهایی، می‌تواند سرنوشت انسان‌های بی‌گناه را به مخاطره بیندازد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۵۹)

وقتی که شخص در مظان اتهام قرار می‌گیرد، تکلیف قضات و ماموران تحقیق آن است تا در نهایت بی‌طرفی و با لحاظ جمیع شرایط و تضمین حقوق دفاعی متهم، به جمع‌آوری و تحصیل دلیل بپردازند. این بدان معناست که اصولاً متهم وظیفه‌ای ندارد تا جهت رفع اتهام از خود، دلیل ارائه‌کند و این مراجع تحقیق هستند که باید دلایل مثبت بزهکاری فرد مظنون را از طرق ومجاری قانونی به‌دست آورند. (شوشتری، ۱۳۷۹: ۲۰)

یکی از موضوعات مهم و در عین حال محل نزاع و اختلاف نظر، بحث حق سکوت متهم در مراحل دادرسی و به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در حقیقت باید دید که حق سکوت متهم در جریان بازجویی و تحقیقات قضائی تا چه اندازه مورد استقبال و حمایت قرار گرفته است و آیا اساساً چنین حقی وجود خارجی داشته و در صورت مثبت بودن پاسخ، حدود و ثغور آن تا کجاست و آیا می‌توان سکوت متهم را قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرد و مراجع تحقیق چه تکلیفی در خصوص رعایت این حق دارند؟ (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۶۲)

در پاسخ به سوالات فوق این فرضیه مطرح می‌شود که متهم تکلیفی برای اثبات بی‌گناهی خود ندارد و این نهاد تحقیق است که باید به اثبات مجرمیت بپردازد. با وجود نواقص قانونی در خصوص تامین و تضمین سکوت متهم به عنوان حق، متهم می‌تواند در پاسخ به سوالات مقام قضایی سکوت کند و عدم رعایت آن و افراط و تفریط نهادهای تحقیق و بازجویی در اعمال فشار، اخذ اقرار با استفاده از روش‌ها و ابزارهای تلقینی و انحرافی به جای روش‌های علمی و تخصصی، از مصادیق بارز تضییع حق دفاع متهم بوده و در نتیجه اصل برائت را مخدوش می‌کند. (سرشار، ۱۳۹۱: ۵۳)

مفهوم حق سکوت

یکی از حقوق بنیادین هر متهم، حق سکوت است؛ یعنی متهم حق دارد پاسخ سوالات مقام قضایی را ندهد و سکوت کند. در اینگونه موارد، مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخگویی کند، بلکه مکلف است سکوت متهم را در صورت مجلس قید کند و برای کشف حقیقت راجع به ادله دیگر تحقیق کند. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

آزادی متهم در ارائه اظهارات نزد مرجع تعقیب و منع اخذ اقرار به شکنجه یکی از اصول اساسی یک دادرسی عادلانه است و بر این اساس حق پاسخ ندادن به سوالات مأمور تحقیق تحت عنوان حق سکوت به عنوان یک حق اساسی برای متهم در کلیه مراحل دادرسی کم و بیش در کلیه نظام های کیفری جهان پذیرفته شده است. متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند، بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا قرینه ای بر مجرمیت او تلقی شود. مهم ترین مبنایی که برای حق سکوت می توان ذکر کرد اصل برائت است و مفاد این اصل حاکی از آن است که با متهم تا قبل از اثبات مجرمیت همواره باید به عنوان یک فرد بی گناه برخورد کرد. (مؤذن زادگان، ۱۳۹۲: ۸۹)

متهم حق دارد سکوت کند. این حق اعم از سکوت در قبال سوالات مشروع یا نامشروع است؛ اما بعضی از سوالات نه تنها نامشروع هستند بلکه هدف از طرح آنها رسیدن به حقیقت نیست بلکه به دست آوردن اهرم فشار بر متهم جهت اقرار و تحت فشار قرار دادن وی است. خصوصیات سوالات نامشروع و غیرقانونی به این شرح است: اول آنکه سوالات در ارتباط با موضوع اتهام نباشد. منظور از سوالات غیر مرتبط با موضوع اتهام، سوالاتی است که پاسخ دادن به آنها هیچ تاثیری در کشف حقیقت و اتهام وارده نداشته باشد. مثل اینکه در پرونده ای که موضوع آن سرقت است از متهم راجع به شرب خمر وی سوال کنند. همچنین سوالاتی راجع به گذشته متهم که بی ارتباط با موضوع اتهام است. مثل اینکه از یک روزنامه نگار که متهم به یک جرم مطبوعاتی است بپرسند آیا تاکنون با کسی رابطه نامشروع داشته اید یا نه؟

دوم آنکه سوالات القایی یا تلقینی باشد؛ مثلاً از متهم به سرقتی که منکر سرقت است بپرسند، مال مسروقه را به چه کسی فروختی؟

سوم آنکه سوالات به قصد فریب متهم پرسیده شود. مثل اینکه بازجو به متهم بگوید اگر اتهام را بپذیری یا پاسخ این سوال را بدهی در مجازاتت تخفیف داده می شود یا آزادت می کنم. متأسفانه این مورد در رسانه های جمعی نیز به اشتباه و ناروا مطرح می شود. در اکثر فیلم های پلیسی شاهد این جملات که از سوی پلیس مطرح می شود هستیم. تذکر این نکته ضروری است که اگر چه یکی از شرایط تخفیف مجازات، می تواند همکاری مجرم با مقامات قضایی و پلیس باشد اما مطرح کردن این جملات توسط بازجو ممکن است متهم را وادار به اقرار به کاری کند که انجام نداده و شرایط بسته و ویژه بازجویی او را به این کار وا دارد؛ بنابراین این سوال مسیر حقیقت را منحرف کرده و متهم را در شرایط روحی نامناسبی قرار می دهد. (سرشار، ۱۳۹۱: ۲۱۴)

چهارم آنکه سوالاتی که از مصادیق تفتیش عقیده هستند، پرسیده شود. مثل اینکه از متهم به شرکت در تظاهرات غیرقانونی بپرسند نظرت درباره فلان مقام مملکتی چیست؟ یا اینکه در نماز جمعه شرکت می کنی یا نه؟

تحصیل دلیل از طرق غیرقانونی ممنوع است و از آنجایی که تهدید، شکنجه، اجبار و اغفال متهم به پاسخگویی، طرح سوالاتی که تلقینی و القایی هستند یا طرح سوالاتی که بی ربط و غیرمفیدند، سوالاتی که با فریب و اغفال به دست آمده یا جنبه تفتیش عقیده داشته باشند ممنوع است؛ لذا متهم می تواند در مقابل آنها از حق سکوت استفاده کند. تحقیقات و دلایلی که به طرق غیرقانونی حاصل شود غیر معتبر است و اگر قاضی دادگاه آن را مبنای صدور رای قرار دهد، این رای در مرحله تجدید نظر و در مراجع بالاتر قابل نقض است. همچنین در تضمین حق سکوت خودداری متهم از پاسخگویی به سوالات، اغلب نظام های حقوقی توسل به زور و شکنجه برای اخذ اقرار یا شهادت یا سوگند را ممنوع اعلام کرده و چنین اظهاراتی را فاقد ارزش و اعتبار دانسته اند. (شریفی، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

مبنای حق سکوت

برای حق سکوت ۴ مبنا بر شمرده‌اند: ۱- مهم‌ترین مبنایی که برای حق سکوت می‌توان ذکر کرد اصل برائت است و مفاد این اصل حاکی از آن است که با متهم تا قبل از اثبات مجرمیت همواره باید به عنوان یک فرد بی‌گناه برخورد کرد. رعایت اصل برابری در مقابل قانون و حاکمیت بخشیدن به آن در حقیقت یکی از مظاهر احترام به کرامت ذاتی انسان است. از جمله مواردی که تعرض به امنیت و آزادی محسوب می‌شود انتساب اتهامات بی‌اساس به افراد است. به همین دلیل پیش بینی اصل برائت یکی از تدابیر اتخاذ شده در جهت امنیت روانی و ثبات اجتماعی و معنوی افراد جامعه است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

در دوران جدید اصل برائت در کلیه نظام های حقوقی به عنوان یک رکن اساسی در امر دادرسی اعمال می‌گردد و انعکاس صریح و قاطعانه در حقوق جهانی نیز پیدا نموده است. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل مقرر می‌دارد:

«هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد جرم او قانوناً محرز گردد». (شیرازی، ۱۳۹۲: ۳۲)

ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه مصوب ۱۷۸۹ مصرح است به اینکه «فرض بر بی‌گناهی فرد است تا وقتی که مجرمیت او اعلام شود». میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل در ماده ۱۴ و کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فرد و آزادیهای اساسی نیز به این موضوع تصریح دارد. اصل برائت به عنوان یکی از اصول قوانین اساسی کشورها پیش بینی شده است. به موجب قانون اساسی ۴ اکتبر ۱۹۵۸ فرانسه «فرض بر بی‌گناهی متهم به جرم است تا این که قانوناً مجرمیت او ثابت شود». قانون اساسی ایران نیز در اصل ۳۷ مقرر کرده است: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود». (شاهیده، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

کانادا رعایت این اصل را به عنوان یک حق مسلم متهم در حقوق کامن لا شناخته و در ماده ۱۱ منشور حقوق و آزادی های کانادایی با آن تصریح کرده است. در یک حکم دادگاه عالی کشور کانادا با استفاده از منشور مذکور چنین آمده است که «اصل، بی‌گناهی متهم در ارتکاب جرم است و وظیفه ابراز دلیل بر عهده دولت می‌باشد و اقتضا دارد اولا مجرمیت متهم خارج از هر گونه شک و تردید محرز شود ثانيا رسیدگی کیفی به یک روش منطبق با دادرسی منصفانه و قانونی انجام پذیرد». حق سکوت یکی از ثمرات اصل برائت است و اصل برائت با توجه به اهمیت وافر در حقوق امروز، شاه‌رگ حقوق متهم محسوب می‌شود. حقوق متهم و من جمله حق سکوت، زاییده حقوق فطری است. دومین جهتی که شناسایی این حق را ایجاب می‌کند شرط آزادی اراده و اختیار برای اعتبار اقرار است. اظهارات متهم در صورتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد و به عنوان دلیل اثبات جرم به حساب آید که به صورت ارادی و آزادانه باشد. اگر اقرار ناشی از اجبار و اکراه باشد فاقد ارزش قضایی و غیر قابل استناد است. نتیجه اینکه چون از نظر حقوقی الزام و اجبار متهم به سخن گفتن ممکن نیست پس در مراحل مختلف دادرسی از حق سکوت برخوردار است. از این جهت مبنای حق سکوت را می‌توان اصل بدیهی «عدم امکان الزام اشخاص به شهادت علیه خود» دانست که از آن به قاعده «مصونیت از خود اتهامی» یا قاعده «مصونیت از الزام به بازجویی» نیز یاد کرده‌اند. حق سکوت به صراحت در قانون اساسی مطرح نشده است اما اصولی از قانون اساسی بطور ضمنی اشاره به این حق در مراحل بازجویی و دادرسی دارند. اصل عدم تفتیش عقیده، اصل برائت و اصل منع شکنجه در ارتباط با حق سکوت و توجیه‌کننده این حق دفاعی متهم هستند. (دریانی، ۱۳۹۱: ۲۱۳)

قاعده بار اثبات یا البینه علی المدعی

با پذیرش اصل برائت آثار مختلف حقوقی بر آن بار می‌شود که در تمامی آنها به شکلی حقوق متهم مورد حمایت قرار می‌گیرد. بخشی از این آثار مربوط به حقوق دفاعی متهم و ترتیب دادن یک دادرسی عادلانه و برخی دیگر در ارتباط با آزادی متهم و رعایت حیثیت افراد است. (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶: ۴۴)

آثار ناظر بر حق دفاع متهم که به شرح زیر است: الف) تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل علیه متهم. در نتیجه، متهم مکلف به ارائه دلیل بر بی گناهی خود نیست.

ب) ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود که در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران نیز به صراحت پیش بینی شده است.

ج) ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود (پذیرش دلیل)

د) ضرورت تدوین قوانین و مقررات لازم جهت انجام دادن یک دادرسی عادلانه

ه) ضرورت تفسیر شک به سود متهم که در حقوق اسلام تحت عنوان قاعده درء مورد بحث واقع شده است.

ی) یکسانی فرض برائت نسبت به متهمان اتفاقی و مجرمان با سابقه. منظور این است که آثار اصل برائت نسبت به متهمی که نخستین بار مرتکب جرم شده و نیز کسی که دارای سابقه کیفری است و صرف نظر از سنگینی اتهام وارد بر او باید یکسان باشد. بدین ترتیب سابقه کیفری متهم نباید به عنوان دلیل یا یکی از دلایل و حتی به عنوان قرینه ای دال بر ارتکاب جرم جدید قرار گیرد. سوابق کیفری تنها به هنگام تعیین کیفر از سوی قاضی دادگاه باید ملحوظ گردد و در صورت لزوم در تشدید مجازات، موثر واقع شود. (متقی، ۱۴۱۹: ۱۷۷)

آثار ناظر به آزادی متهم. در ارتباط با آزادی متهم نیز اصل برائت واجد آثار زیر است: الف) استثنایی تلقی کردن بازداشت موقت متهم و امتناع از توسل به آن جز در موارد ضروری.

ب) ضرورت دخالت مقام قضایی جهت سلب آزادی از متهم در هر مرحله از رسیدگی، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی ضمن رعایت دقیق مقررات شکلی ناظر به اصدار قرار یا دستور بازداشت متهم.

ج) ضرورت تدوین مقررات دقیق و به دور از هرگونه ابهام در ارتباط با حق شکایت متهم از قرار بازداشت موقت و رسیدگی سریع و خارج از نوبت به شکایت مذکور از سوی یک دادگاه مستقل و بی طرف.

د) رها ساخت فوری متهم محبوس، پس از صدور حکم برائت از دادگاه و به رغم فرجام خواهی دادستان جز در مواردی که ادامه بازداشت به جهت دیگری قابل توجیه باشد.

ی) ضرورت جبران خسارت از زندانیانی که بازداشت آنان غیر موجه تشخیص داده شود از سوی دولت.

حق سکوت در اسناد بین المللی

در اسناد بین المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ...- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» در همین راستا کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در بند ۲ ماده ۴۰ از دولتهای عضو خواسته است که در تضمین حق دفاع کودکان در مراجع قضایی به این موضوع، توجه کنند. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، سند دیگری است که در آن به حق سکوت متهم تصریح شده است. به موجب مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مزبور، متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند، بدون این که این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی گناهی او داشته باشد. بدین ترتیب عدم امکان اجبار متهم به اعتراف یا شهادت و حق سکوت نزد مقامات انتظامی و قضایی در حقوق بین الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولتها مکلف به رعایت آن هستند. (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۵)

حق سکوت از منظر فقهی

بر اساس نظریه «بزه پوشی» برآیند موازین و معیارهای شرعی این است که در باب حدود، بویژه درباره جرایمی که جنبه حق الهی دارند سکوت اختیار کردن از سوی متهم نه تنها حق، بلکه تکلیف متهم است. عدم افشای جرم در اسلام و حق سکوت امری اخلاقی است. این در جایی است که شخص واقعا مرتکب جرم شده و خود از آن آگاه است و می بایست از اظهار جرم و اقرار به ارتکاب آن خودداری ورزد. به طریق اولی در مواردی که جرم مرتکب نشده و تنها اقدامی به او انتساب داده شده از این حق برخوردار خواهد بود. در مقابل این نظریه، عده‌یی امتناع از بیان مطالب را روا نمی دانند و براین باورند که متهم

مكلف به اظهار واقعیت و اقرار به ارتکاب جرم است و باید از عهده این تکلیف برآید. چنانچه متهم از ادای این تکلیف سر باز زند حاکم حق دارد او را اجبار و الزام به این کار کند. (قلعه‌جی، ۱۴۰۶: ۳۱۵)

حق سکوت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حق سکوت به صراحت در قانون اساسی مطرح نشده است اما اصولی از قانون اساسی بطور ضمنی اشاره به این حق در مراحل بازجویی و دادرسی دارند. اصل عدم تفتیش عقیده، اصل برائت و اصل منع شکنجه در ارتباط با حق سکوت و توجیه‌کننده این حق دفاعی متهم هستند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۰۷)

حق سکوت در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ هـ-ش بعنوان اولین قانون مدون ایران در ماده ۱۲۵ به حق سکوت متهم پرداخته و از یک سوی با منع بازپرس از اغفال متهم با به کار بردن سوالات تلقینی و اجبار و اکراه او به پاسخگویی، حق سکوت متهم را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر بازپرس را مکلف به دادن هشدار به متهم در خصوص اینکه هر اظهاری کند دارای اثر است نموده بود. ماده ۱۲۵ با عبارت "بازپرس متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد" در واقع نتیجه عدم استفاده از حق سکوت توسط متهم را مورد توجه قرار داده و در صورت سکوت متهم از پاسخ گویی به سوالات بازپرس را صرفاً مجاز به ثبت امتناع متهم از پاسخ گویی در صورت مجلس نموده بود با این وصف باید گفت قانون آیین دادرسی سابق صرفاً به مرحله اول "حق سکوت" پرداخته و برای متهم حق سکوت در مقابل سوالات بازپرس قرار داده بود اما اعلام حق سکوت به متهم را بعنوان تکلیف قانونی نشناخته و نتیجه سکوت متهم را در احراز جرم مورد توجه قرار نداده بود. (سرشار، ۱۳۹۱: ۶۹)

پس از انقلاب اسلامی ایران وفق ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد، تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش و ...) او را دقیقاً سوال کرده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا القاکننده یا اکراه یا اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود...». طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ گونه شک و شبهه‌یی نباشد و قراین او امارات نیز موید این معنی باشد، دادگاه مبادرت به صدور رای می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و با ادله دیگر نیز رسیدگی می‌نماید». بالاخره طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع لازم است از طرفین و شهود و مطلعین خواهد کرد. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند رسیدگی را ادامه می‌دهد». (شیرازی، ۱۳۹۲: ۷۸)

حق سکوت در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

وفق بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش‌های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست، خودداری کند.» این ماده حق سکوت را محدود به سوالات غیرمشروع و نادرست کرده در حالی که حق سکوت همانطور که بیان شد اعم از اینگونه سوالات است و در مقابل سوالات مشروع و در جهت حفظ حقوق متهم، جاری است. (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

تامین و تضمین حق سکوت

آیا قضات و ماموران تحقیق، تکلیفی برای آگاه کردن متهم به داشتن چنین حقی (سکوت) دارند؟ با وصف سکوت متهم و عدم تمایل وی به ادای توضیحات، آیا بر عهده ضابطان و مقامات قضائی تکلیفی در این خصوص متصور است؟ آیا قضات دادرسی و ضابطان دادگستری از همان آغاز رویارویی با متهم، مکلف به آگاه کردن وی به داشتن حق سکوت نیستند؟

در پاسخ باید اذعان داشت، قوانین دادرسی فعلی این موضوع را به سکوت برگزار کرده است و ظاهراً تکلیفی برای ماموران و قضات تحقیق در این خصوص نمی‌توان پیش‌بینی کرد، مضاف بر این که سکوت متهم در جریان تحقیقات ولو آن که حاکی از سوءنیت و عامدانه باشد، نمی‌تواند مستمسکی برای مقام تحقیق و ضابطان دادگستری جهت اعمال زور، اکراه، اجبار و اخذ اقرار به عنف حساب آید، کما این که اخذ اقرار و دلیل در چنین مواردی فاقد هر نوع ارزش قضائی بوده و از عداد دلایل اثباتی خارج است. این نکته در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه نیز پیش‌بینی و حتی در قانون مجازات اسلامی برای آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است. بدیهی است تضمین امنیت دفاع و الزام به حضور وکیل مدافع در جریان تحقیقات در چنین مواردی، می‌تواند یکی از ابزارهای مهم کاهش دهنده اشتباهات قضائی تلقی شود که متأسفانه با عنایت به صراحت ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و با لحاظ تفتیشی بودن فرایند تحقیقات در نظام دادرسی ایران حضور و مداخله وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی که در واقع شالوده و اساس شکل‌گیری و تکوین پرونده قضائی است، در نظر و عمل با ابهام و تردید جدی مواجه بوده و هر نوع مداخله و اظهار نظر وکیل متهم در امر تحقیقات جز با اجازه قاضی ممکن نیست. (شیرازی، ۱۳۹۲: ۷۸)

تحلیل فرآیند بزه دیدگی و آشنایی با گونه‌های بزه دیدگان

در گذشته، مجرم تقریباً به طور انحصاری تمامی توجه پژوهشگران در قلمرو جرم‌شناسی را به خود معطوف ساخته بود، به طوری که تلاش‌های فراوانی در جهت پی بردن به خصوصیت‌ها، ناهنجاری‌ها، اختلالات روانی، نواقص شخصیتی و عوامل روانی دیگر که بتواند رفتار مجرمانه را تبیین نماید، انجام می‌گرفت. از طرفی چون گروه‌های طرفدار قربانیان، آنها را افرادی بی‌گناه می‌دانستند، مخالف بررسی عملی نقشی بودند که قربانیان ممکن است در ایجاد جرائم داشته باشند. در هر حال، تلاش برای درک جرم بدون در نظر گرفتن تمام جنبه‌های آن - از جمله ویژگیها و رفتار قربانی - همچون تلاشی خواهد بود برای تکمیل پازلی که همه قطعات آن را در اختیار نداریم. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۸۹)

- رویکردهای بزه دیده‌شناسی و تحلیل فرآیند بزه دیدگی

بزه دیده‌شناسی یا جرم‌شناسی مجنی علیه‌شناسی، جدیدترین رشته از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است و به رغم اینکه در بطن دانش جرم‌شناسی متولد شد اما به مرور زمان تبدیل به یک قلمرو مطالعاتی خاص شد. امروزه نیاز جرم‌شناسی به مطالعه قربانیان جرم، ممکن است واضح و آشکار و حتی تا حدودی بدیهی به نظر برسد اما چنین نیاز آشکاری به مدت بیش از یک قرن از دایره توجه جرم‌شناسان دور بود. بزه دیده‌شناسی در گذر زمان دارای دو رویکرد مهم بوده است، به همین منظور در این قسمت مراحل تحولات و رویکردهای بزه دیده‌شناسی و در نهایت تئوری‌های مهمی که در زمینه بزه دیده‌شناسی مطرح شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- ریشه حقوقی و جرم‌شناختی بزه دیده‌شناسی

تاریخ پیدایش بزه دیده‌شناسی علمی به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد. البته قبل از آن آثاری نگاشته شدند که رنگ و بوی جرم‌شناسی داشتند اما بحثی از علم بزه دیده‌شناسی در آنها به میان نیامده بود. از جمله این آثار حقوقی می‌توان به کتاب «روایات محاکمات جنایی قابل توجه» اثر فوئر باخ اشاره کرد که در سال ۱۸۴۶ نگاشته شده بود. او در بخشی از این کتاب جریان محاکمه مجرمی را بیان می‌کند و معتقد است بزه دیده‌خود، علت جنایتی است که بر وی وارد شده است. (شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

حقوقدانان انگلیسی دیگری بنام «جی سی» در کتابی تحت عنوان «قاتل و انگیزه‌های او» معتقد است که گروهی از انسان‌ها همواره خود را در معرض قتل قرار می‌دهند. این افراد به خاطر رفتار و یا قسمت تحریک آمیز خود مستعد مقتول شدن هستند. در سال ۱۹۴۱، فون هنتیک مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات درباره تعامل میان بزه‌کار و بزه دیده» منتشر کرد و نقش و تصویر بزه دیده را در تکامل پروسه کیفری گوشزد نمود؛ اما اولین برخورد سیستماتیک با قربانیان جرایم در سال ۱۹۴۸ در کتاب هنتیک تحت عنوان «بزه‌کار و قربانی او» پدیدار گشت و صرفاً در دو بخش از این کتاب به رابطه میان بزه‌کار و بزه دیده توجه کرده است. به باور هنتیک، بزه دیدگان بر پایه نوع نقشی که در عمل مجرمانه دارند تقسیم بندی می‌شوند اما نامی از

اصطلاح بزه دیده شناسی در آن اثر به چشم نمی خورد. با این همه بسیاری از جرم شناسان کتاب وی را منشور بزه دیده شناسی به حساب می آورند.

واژه بزه دیده شناسی در سال ۱۹۴۹ بوسیله یک روان پزشک آمریکایی بنام «فردریک ورتهم» وضع شد. او نخستین بار این واژه را در کتاب خود تحت عنوان «نمایش خشونت» بکار برد. (صادقی، ۱۳۸۸: ۶۳)

با این همه بزه دیده شناسی نخستین، یک واقعیت علمی است که به منظور پی بردن به علل بزهکاری و نقش بزه دیده به عنوان یکی از عوامل جرم زا مورد مطالعه و پژوهش های زیادی قرار گرفت و امروزه نیز این گرایش به منزله یکی از جریان های اصلی بزه دیده شناسی ادامه یافته است. این جریان که می توان آن را بزه دیده شناسی یا قربانی شناسی کیفی نامید در برابر قربانی شناسی عمومی قرار می گیرد. در نظر پشتیبانان قربانی شناسی کیفی، قلمرو این گرایش مطالعاتی را حقوق کیفری تعیین می کند؛ و به عبارتی قربانی شناسی کیفی، قربانیان رخدادهایی را که در قانون جرم انگاری می شوند، مطالعه می کند. الگوی تحقیقی این جریان بزه دیده شناسانه از مسائل مربوط به علت شناسی جرم و نقش بزه دیده در رخدادهای مجرمانه تشکیل می شود و به عبارتی بزه دیده شناسی یا قربانی شناسی کیفی به تعامل پویای میان بزه دیده و بزهکار توجه می کند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۴۲)

تحلیل فرآیند بزه دیدگی:

ارتکاب عمل مجرمانه که محور اصلی مطالعات جرم شناسی است، تنها نقض قانون و هنجار اجتماعی نیست بلکه مشابه دیگر رفتارهای انسانی اصولاً باید هدفمند بوده و ناشی از وجود قدرت انتخاب باشد، به عبارتی می توان گفت غالباً عملکردی اختیاری است و انسان دست به یک سلسله انتخاب های استراتژیک عقلانی می زند. براین اساس نظریات مختلفی از سوی جرم شناسان مطرح گردید که دارای نوعی جهت گیری جامعه شناختی، زیست شناختی بود. برخلاف نظریه های جرم شناختی که توجه کمی به عوامل موقعیتی تعیین کننده جرم را داشتند، هدف اصلی این نظریه ها همچون نظریه مدل انتخاب عقلانی، شیوه زندگی، ... بررسی فرآیندهای اجتماعی و رخدادهای روان شناختی به عنوان دلایل وقوع جرم و فرآیند عقلانی تصمیم گیری و انتخاب در بزهکاران می باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۸۵)

نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی بیشتر به واسطه تحقیقات کورنیش و کلارک (۱۹۸۷ و ۱۹۸۶) شناخته شده است. این رویکرد یک اصل محوری دارد و آن این است که «رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است، آدمیان در چند راهی ها، راهی را که با اغراض شان موافق است اختیار می کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می کنند.» بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم گیری فردی و گزینش عقلانی فایده گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می گیرد. به علاوه در این نظریه اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه و دلایل مجرم برای ارتکاب جرم می پردازد و معتقد است که انتخاب یک عمل مجرمانه، عمدتاً با تکیه بر ویژگی های رفتار مجرمانه و همچنین خصایص فردی مجرم صورت می گیرد. به عبارتی بزهکار برای ارتکاب جرم، هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن را می سنجد و هم توانایی ها و نقاط ضعف خود را مدنظر قرار می دهد. از نظر کلارک به شخص مجرم باید به عنوان یک تصمیم گیرنده اقتصادی نگریست که انتخابهایش تابع حداکثر سود است و براساس هزینه ها و منفعت دست به تصمیم گیری عقلانی می زند. لذا اگرچه جرم عملی نکوهیده و غیرعقلانی است ولی در نهان خود واجد عقلانیت است، هرچند مسائل عقلانیت بطور کامل در این دیدگاه مورد نظر نیست. (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۵)

نظریه فعالیت روزمره

این نظریه که بیشتر به لاری کوهن و مارکوس فلسن (۱۹۷۹) مرتبط است در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را مساعد می کند و موقعیت و شرایط بزه دیده و یا آنچه را شرایط مشرف بر وقوع جرم می نامیم تا چه اندازه در وقوع جرم مؤثر است. نظریه فعالیت روزمره اساساً بر آن اعتقاد است که جرم ارتکاب یافته و بزه دیدگی با طبیعت خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی تعامل ها و همکنش های اجتماعی در ارتباط است و همزمان با تغییر این تعامل

ها و خصوصیات، نرخ جرایم نیز تغییر می‌کند. به عبارتی همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم فزونی می‌بخشد. (کوشا، ۱۳۸۹: ۵۶)

نظریه شیوه زندگی

دیدگاه شیوه زندگی که توسط گات فردسن، توسعه یافت در پی بررسی این مسئله است که چرا برخی افراد و گروهها بیش از دیگران در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند؟ مطابق این دیدگاه آنان بر این باورند که جرم یک واقعه اتفاقی نیست بلکه بزه دیدگی براساس شیوه یا سبک زندگی افراد و عملکرد زندگی آنان متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب پذیری آنها دارد، چراکه شیوه و سبک زندگی افراد را بیشتر در دسترس و در معرض تهاجم بزهکاران قرار می‌دهد. هرچه افراد شیوه زندگی بازتری داشته باشند خطر و احتمال بزه دیدگی شان نیز بیشتر می‌شود. بر این اساس این نظریه توزیع نامنظم بزه دیدگی در زمان و مکان را بر حسب تفاوت شیوه زندگی بزه دیدگان و دیگران تبیین می‌کند. نظریه شیوه زندگی بواسطه عواملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از این فاکتورها نقشی است که افراد در جامعه ایفا می‌کنند و این نقش، بعضاً کمابیش آنها را بسوی بزه دیدگی می‌کشاند. برای مثال جوانان بیشتر در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند.

حق سکوت متهم در آیین دادرسی کیفری و قانون جدید

نگاهی به قانون جدید آیین دادرسی کیفری، «حق سکوت متهم» برای اولین بار در قانون آمده است مهلت ۶ ماه‌های که برای اجرایی شدن این قانون در نظر گرفته شده در راستای ایجاد زیرساخت‌ها کافی نیست، زیرا اجرایی شدن این قانون نیازمند این است که تشکیلات دادگستری تغییر کند و ما اگر بخواهیم حتی تابلوهای تمامی دادگاه‌ها را تعویض کنیم حدود دو سال زمان می‌برد و مسلماً تغییر تشکیلات زمان زیادی را نیاز دارد.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری باید دادگاه‌های عمومی جزایی را به دادگاه کیفری تبدیل کنیم، دادگاه کیفری استان را به دادگاه کیفری تغییر دهیم و دادگاه اطفال را که دادگاهی تخصصی است به دادگاه اختصاصی تغییر دهیم. تغییر این تشکیلات نیازمند زمان بیشتری است و مهلت ۶ ماهه برای اجرایی شدن این قانون کافی نیست. کارشناسان با اشاره به ماده ۳۰۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، معتقدند: طبق این ماده رسیدگی به جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۴ در صلاحیت دادگاه کیفری است، در صورتی که در قانون سابق آیین دادرسی کیفری صلاحیت دادگاه‌های عمومی عام و صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی خاص است و این که جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۴ را در صلاحیت دادگاه کیفری قرار دهیم یعنی عملاً بیش‌تر جرایم باید در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی شود، بنابراین باید این بند از ماده ۳۰۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری اصلاح شود به گونه‌ای که یا جرایم تعزیری ۱ تا ۴ اصلاح شود یا رسیدگی به این جرایم از شمول صلاحیت دادگاه کیفری خارج شود.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، مرجع تجدیدنظرخواهی دیوان عالی کشور در نظر گرفته شده است یعنی حجم بالایی از پرونده‌ها برای تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی باید به این دیوان ارسال شود که در رویه معمول این امر امکان‌پذیر نیست. کارشناسان با اشاره به این که قانون جدید آیین دادرسی کیفری با فاصله کوتاهی نسبت به قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید، معتقدند انتظار این بود که اگر ایرادی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری وجود دارد از نظر ماهیتی تعارضی با قانون مجازات اسلامی نداشته باشد، در صورتی که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مکرراً می‌توان موارد تعارضی آن را با قانون مجازات اسلامی پیدا کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۹)

تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری با تبصره ۱ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی در زمینه جنون بعد از وقوع جرم و قبل از صدور حکم قطعی با هم مغایرت دارد. طبق تبصره ۱ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی رسیدگی، تعقیب و تحقیقات باید ادامه پیدا کند ولی تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مطرح کرده که رسیدگی و تعقیب باید متوقف شود مگر در شرایط استثنایی. این موضوع یکی از تعارضات اولیه‌ای است که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری وجود دارد. کارشناسان دادگستری در خصوص تعریف طفل در قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی، معتقدند: مواد ۱۴۶، ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی که به بررسی جرایم اطفال پرداخته است طفل را کسی که سن ۹ سال تمام قمری (دختران) و ۱۵ سال تمام قمری (پسران) داشته باشد، تعریف کرده است. در صورتی که قانون جدید آیین دادرسی کیفری

طفل را کسی معرفی کرده که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، بنابراین می‌بینیم که دو تعریف متفاوت از طفل در این دو قانون وجود دارد.

امکان دارد که در برخی از آزمون‌ها مانند وکالت و قضاوت از قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات سؤالاتی از تعریف طفل مطرح شود که مسلماً در این زمینه داوطلبان نمی‌دانند کدام گزینه را باید انتخاب کنند. (شیرازی، ۱۳۹۲: ۶۸)

۴-۱-۱- ماده ۴۲۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری

کارشناسان با اشاره به ماده ۴۲۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری معتقدند: طبق این ماده دیوان عالی کشور به عنوان مرجع فرجام‌خواهی در دادگاه کیفری تعیین شده است که همان موارد ماده ۳۰۲ این قانون است و صلاحیت مرجع تجدیدنظرخواهی بر مبنای مرجع صادرکننده رأی در قانون جدید تعیین نشده است، بلکه تعیین صلاحیتشان بر مبنای مواد ۳۰۲ و ۴۲۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری است. به عنوان مثال اگر دادگاه کیفری به جرمی رسیدگی کرد و متهم همان پرونده جرم دیگری در دادگاه کیفری داشت، دادگاه کیفری ۱ باید به آن رسیدگی کند. در این جا مشخص نیست که مرجع تجدیدنظرخواهی کجاست؟ در این جا باید بخشی از حکم را به دادگاه تجدیدنظر و بخشی از آن را به دیوان عالی کشور برای فرجام‌خواهی ارسال کرد، مسلماً این امر شدنی نیست و بر مبنای قوانین مربوط به تعدد جرم باید یک حکم واحد صادر شود. اگر قانون جدید آیین دادرسی کیفری لازم‌الاجرا شود حداقل حدود ۲۰ الی ۳۰ رای وحدت رویه باید وجود داشته باشد تا این تعارضات را حل کند. (سرشار، ۱۳۹۱: ۶۳)

«حق سکوت متهم» یکی از ویژگی‌های برجسته این قانون است و به موجب این قانون متهم می‌تواند صحبت نکند و سکوت اختیار کند و تقاضای حضور وکیلش را داشته باشد. این موضوع برای اولین بار است که در قانون به صراحت آمده است. کارشناسان دادگستری با اشاره به این که قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطین را مکلف کرده که حقوق دفاعی متهم را همانند حق سکوت و داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) به رسمیت بشناسند، معتقدند در رویه معمول اگر وکلا از جانب متهم اعلام وکالت می‌کردند عملاً یا وکالتشان پذیرفته نمی‌شد یا غیرقانونی بود و یا در صورت پذیرش اجازه مداخله و مطالعه پرونده و ارایه لوایح را به آن‌ها نمی‌دانند، اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که در اکثر جرایم به محض این که متهم تحت نظر قرار گرفت حق دارد که وکیل داشته باشد و در جرایم خاص (مواد مخدر) و سازمان یافته متهم تا یک هفته پس از تحت نظر قرار گرفتن حق ندارد وکیل داشته باشد و بعد از آن می‌تواند وکیل داشته و حتی در بدو امر با وکیلش ملاقات کند. کارشناسان با بیان این که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در جرایمی که مجازات آن‌ها سلب حیات بوده الزامی است، معتقدند اگر کسی نتواند در جرایمی که این مجازات را دارد وکیلی داشته باشد، می‌تواند وکیل تسخیری داشته باشد و برای اولین بار است که در قانون آمده که وکیل می‌تواند از مرحله تحقیقات مقدماتی حضور داشته باشد. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری آمده که نهادهای حمایتی می‌توانند در جرایم خاص که موضوعش مجنی‌علیه یا جرم است از متهم حمایت کنند. در صورتی که در قانون سابق مداخله‌کننده در پرونده کسی بود که ذی‌نفع باشد مانند شاکی، مدعی خصوصی، وکیل و مدعی‌العموم اما اکنون نهادهای حمایتی می‌توانند اگر به عنوان مثال شرکتی محیط‌زیست را آلوده کرد یا جرمی علیه کودک رخ داد از آن حمایت کنند. کارشناسان با بیان این که یکی دیگر از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری مداخله مردم در جرایم مشهود است، معتقدند: این موضوع مشمول ماده ۳۰۲ این قانون می‌شود و اگر ضابط قضایی حضور نداشته باشد قانون‌گذار به مردم اجازه داده که از فرار متهم و از بین بردن آثار جرم جلوگیری کنند. در قانون سابق آیین دادرسی کیفری ۵ نوع قرار تأمین اعم از کفالت، بازداشت موقت، التزام و وثیقه داشتیم ولی در قانون جدید ۱۰ نوع قرار تأمین داریم که افزایش قرارهای تأمین به نفع متهمان و جامعه است. هم‌چنین در مواد ۳۲ و ۳۵ قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، الزام و اختیاری برای بازداشت موقت در نظر گرفته شده بود اما اکنون طبق مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری امکان صدور بازداشت موقت با موارد مندرج در ماده ۲۴۸ پیش‌بینی شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۹۷)

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مهمی که منشأ نزاع و اختلاف عقیده بین حقوقدانان است، بحث حق سکوت متهم در مراحل دادرسی است. در حقیقت باید دید که آیا حق سکوت متهم در جریان بازجویی و تحقیقات قضائی تا چه اندازه مورد استقبال و حمایت واضعان حقوق داخلی، تطبیقی و بین‌المللی قرار گرفته است و آیا اساساً چنین حقی وجود خارجی داشته و در صورت مثبت بودن پاسخ، حدود و ثغور آن تا کجاست و آیا می‌توان سکوت متهم را قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرد و مراجع تحقیق چه تکلیفی در خصوص رعایت این حق دارند؟

با تقویت این فرض حقوقی که متهم تکلیفی برای اثبات بی‌گناهی خود ندارد و این نهاد تحقیق است که باید به اثبات مجرمیت بپردازد، واقعیت انکار ناپذیر این است که عدم رعایت ضوابط و تضمینات دفاعی لازم برای متهمان و افراط و تفریط نهادهای تحقیق و بازجویی در اعمال فشار، أخذ اقرار با استفاده از روش‌ها و ابزارهای تلقینی و انحرافی به جای روش‌های علمی و تخصصی، از مصادیق بارز تضییع حق دفاع متهم بوده و در نتیجه اصل برائت را به شدت مخدوش می‌سازد. نکته حائز اهمیت آن است که اکثریت قریب به اتفاق متهمان در مواجهه با سؤالات مقام تحقیق و بازجویی سکوت می‌کنند و لذا مسئله مهم در ارتباط با شیوه تحصیل دلیل، چگونگی برخورد با سکوت متهم پس از احراز هویت و تفهیم شکایت اتهام به وی در مرحله تحقیقات مقدماتی است، زیرا صرف نظر از موارد نادر و استثنایی که برخی متهمان شخصاً به مراجع قضائی مراجعه کرده و با اقرار به جرم و ادای توضیحات لازم دادسرا را در انجام وظایف قانونی خود یاری می‌کنند، در عمده موارد متهمان سکوت اختیار کرده و حتی ممکن است با اظهارات دروغین خود، سعی بر گمراه کردن ضابطان و مأموران کنند. در پاره‌ای از موارد نیز متهم با زبان مقامات انتظامی و قضائی آشنایی ندارد. در همه این موارد و سایر موارد مشابه دیگر، جمع آوری دلیل باید طبق ضوابط خاصی صورت پذیرد، چه در غیراین صورت عدم رعایت ضوابط قانونی و مخدوش شدن دلایل به دست آمده ممکن است به تحقیقات بعدی نیز تسری یافته و آنها را از درجه اعتبار ساقط کند. کما اینکه، سکوت لزوماً دلیل بر مجرمیت وی و حاکی از سوءنیت یا مبادرت ایشان به انحراف و اطاله جریان استنتاج و تحقیقات مقدماتی نخواهد بود. در هر مورد خاص، این وظیفه بازپرس یا مقام استنتاج است که باید با توسل به هوش و ذکاوت و با به‌کارگیری روش‌های علمی و کارآمد به کشف حقیقت نایل آید.

۱ - بنابر اصل عدالت، حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی و متهم از مهمترین اصول در آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود و تلاش در تحقق عدالت اجتماعی و پاسداری از آن بر کل نظام قضایی امری واجب می‌باشد.

۲ - ازدیاد جرایم و توسعه عناوین مجرمانه و مقررات مربوط به امور کیفری منجر به تجاوزهایی علیه حقوق و شخصیت متهم شده است، لذا برقراری تعادل بین لزوم تعقیب مجرم و رعایت حقوق و حفظ کرامت انسانی متهم از واجبات دستگاه قضایی است.

۳ - بر پایه مبانی و نصوص موجود در فرهنگ غنی اسلامی، تعدیل میان این دو امر در رویه قضایی امیرالمؤمنین (ع) به خوبی شکل گرفته است و تحقق همه جانبه عدالت یکی از مختصات عصر حکومت علوی به شمار می‌رود؛ لذا از شیوه‌های عملی ایشان در مصادیق و قضایای خارجی می‌توان اصول و قواعد حقیقی را انتزاع نمود که ضمن جلوگیری از تجاوز به امنیت اجتماعی به حفظ حقوق متهمان بی‌انجامد. از جمله اصل برائت، تساوی در برابر قانون و دادگاه، ممنوعیت شکنجه، تجدید نظرخواهی.

۴ - اهم این اصول در قوانین موضوعه و اسناد فرا ملی که در حکم قانون عادی است و ایران به آن پیوسته مورد عنایت قرار گرفته است، لیکن مغفول ماندن و عدم اجرای برخی از قوانین موجود از سویی و وجود خلأهای قانونی از سوی دیگر، حقوق متهم را در برخی مواضع مورد تعدی جدی قرار داده است.

۵ - بر این اساس لازم است که در نظام قضایی اسلامی که بر پایه اندیشه علوی و فقاہت جعفری شکل می‌گیرد، با تجدید نظر مبنایی، ضمن نظارت بر حسن اجرای قوانین موجود و بر طرف نمودن خلأهای قانونی، حقوق متهم مورد حمایت قرار گیرد.

۵-۱- پیشنهادات کاربردی

- ۱ - قانون آیین دادرسی ایران در زمینه اعلام و تفهیم حق سکوت برای مقامات تحقیق و بازجویی، به صراحت تکلیف معین نکرده و از عبارات مرقوم در ماده ۱۲۹ نمی‌توان تکلیف به اعلام حق سکوت از سوی قضات تحقیق و ضابطان دادگستری را استنباط کرد.
- ۲ - با وصف سکوت متهم و عدم تمایل او به همکاری و ادای توضیح، نمی‌توان وی را اجبار به اقرار و ادای توضیح کرده و أخذ اقرار در چنین مواردی فاقد هر نوع وجاهت شرعی و قانونی است.
- ۳ - ارائه دلیل و بار دلیل اصولاً وظیفه نهاد تحقیق و تعقیب بوده، بلکه شیوه تحصیل آن نیز از جمله آثار مهم اصل برائت تلقی می‌شود و باید با توسل به شیوه‌های صحیح قانونی و با رعایت اصول اخلاقی و ضوابط حاکم بر ضرورت رعایت کرامت انسانی به عمل آید.
- ۴ - با عنایت به اصل ۳۷ قانون اساسی و با لحاظ این نکته که حق سکوت از لوازم اجتناب ناپذیر و قطعی اصل برائت است، سکوت متهم را نمی‌توان لزوماً دلیلی بر بزهکاری وی تلقی کرد، بلکه صرفاً می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای در کنار سایر قرائن و دلایل برای ایجاد قناعت وجدانی قاضی به حساب آید و در غیراین صورت شک باید به نفع متهم تعبیر شود.
- ۵ - از نقش وکیل مدافع در فرایند تحقیقات و مساعدت وی در تکمیل پرونده نباید غافل ماند و در این زمینه، به شرحی که آمد، قوانین فعلی با ابهام و نارسایی جدی مواجه است. آنچه مسلم است قبول حق سکوت برای متهم تا حضور وکیل مدافع می‌تواند در راستای رعایت حقوق بشر و دادرسی منصفانه موجب انطباق ضوابط داخلی با مفاد اسناد بین‌المللی که ایران به آنها ملحق و اجرای آنها را تعهد کرده است، شود.

منابع و مأخذ

۱. آقابابایی، حسین؛ موسوی، ریحانه. پیشگیری از بزه دیدگی زنان از منظر آموزه های اسلامی و چالش های فرا رو، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲. توجهی، عبدالعلی و نجفی ابرند آبادی علی حسین (۱۳۷۸)، «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره سوم، شماره ۴.
۳. دریانی، عبدالرسول، (۱۳۹۱) «اقرار مبتنی بر شکنجه»، تهران، ماهنامه دادرسی، دانشگاه تهران.
۴. دهخدا، علی‌اکبر: (۱۳۲۵) «لغت‌نامه»، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده ادبیات چاپ بیست دوم، ج سوم.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۸)، «بزه‌دیده در فرآیند کیفری»، انتشارات خط سوم، تهران، چاپ اول، ج اول.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰) بزه دیده شناسی تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی جلد اول. چاپ اول. تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۱)، «روانشناسی بزه‌دیده»، انتشارات خط سوم، تهران چاپ اول، جلد ششم.
۸. سرشار، محمود، (۱۳۹۱) «تذکراتی چند به دادستانها و بازپرسان در حمایت از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی در موقع بازپرسی»، تهران، مجله کانون وکلای مرکز.
۹. سرشار، محمود، (۱۳۷۱) «تذکراتی چند به دادستانها و بازپرسان در حمایت از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی در موقع بازپرسی»، تهران، مجله کانون وکلای مرکز.
۱۰. شاهیده، فرهاد (۱۳۸۹). مطالعه مبانی بزه دیده شناسی نخستین علمی در قانون مجازات اسلامی و چگونگی، چاپ ششم.
۱۱. شریفی، محسن، «ژرف نگری پیرامون مکانیسم‌های تضمین کننده حقوق و آزادی‌های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه‌های حقوق بشر»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۹۰.

۱۲. شریفی، محسن، «ژرف نگری پیرامون مکانیسم‌های تضمین کننده حقوق و آزادی‌های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه‌های حقوق بشر»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۸۰.
۱۳. شوشتری، محمدتقی، (۱۳۷۹) قضا امیرالمؤمنین، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. شیرازی، اکبر، (۱۳۹۲) «عدالت قضایی؛ درسی از تجربه و تاریخ»، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز.
۱۵. صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم.
۱۶. صالحی جواد سکوت؛ جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه فصلنامه مطالعات حقوقی، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸ ص ۶۹.
۱۷. صالحی جواد سکوت؛ جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه فصلنامه مطالعات حقوقی، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸ ص ۶۹.
۱۸. صالحی، همکاران (۱۳۹۲) مروری بر مبانی مسئولیت پزشکی از دیدگاه فقهای شیعه با تامل بر اصل برائت مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره ۳، مرداد ۱۳۹۲ صص ۱۷-۲۹
۱۹. قربانی علی، موحدی جعفر ماهیت برائت در فقه و حقوق مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱ ص ۶۱.
۲۰. قلعه‌چی، محمد رواس، (۱۴۰۶ ه) موسوعه فقه علی بن ابی طالب، بیروت، دارالمعرفه.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲) اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان.
۲۲. کوشا، جعفر (۱۳۸۹)، «تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۰)، «بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی»، نشریه حقوق دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه، سال اول، شماره اول.
۲۴. کریمی عباس، رحیمی پور ایمان قواعد حاکم بر استجواب کیفری فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ صص ۳۰۱-۳۲۵.
۲۵. کریمی عباس، رحیمی پور ایمان قواعد حاکم بر استجواب کیفری فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ صص ۳۰۱-۳۲۵.
۲۶. گودرزی، محمدرضا: (۱۳۷۹) «بزه‌دیده‌شناسی: پیدایش، تحول دیدگاه‌های نوین»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره هفدهم و هیجدهم، آذر و دی.
۲۷. منقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ه.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ ه.
۲۹. مقدسی، محمد باقر رویکرد تطبیقی به معیارهای ناظر بر بازجویی پلیسی (با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) فصلنامه کارآگاه، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۳ صص ۷-۲۲.
۳۰. مؤذن زادگان، حسنعلی، «حقوق دادخواهی دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ۱۳۸۷.
۳۱. ناصرزاده، هوشنگ، «جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بیگناه»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۹۲.
۳۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۸۷)، «دانشنامه جرم‌شناسی»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی، (۱۳۸۹)، «تقریرات درس جرم‌شناسی»، تهیه و تنظیم بتول پاکزاد، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم.

۳۴. هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۴) «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

A Study on the Accused's Right of Silence in Criminal Proceeding Act from the Perspective of "Victimology"

Mohammad Ali Ghasemi¹, Mohammad Moghaddafard²

1. *Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Branch of Nurabad Mamasani*

2. *Supervisor, Professor of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Branch of Nurabad Mamasani*

Abstract

The right of silence is not a right distinct from other rights, but a combination of them. When one talks about the right of silence, the things associated to one's mind include innocence of the accused person, the judge's duty to prove the components that cause the offense, and the prohibition to torture the accused to elicit confessions from them. These rights guarantee the accused's right of silence, which is based on the principle of freedom of expression and the need to respect the dignity of human beings. This paper seeks to investigate this type of rights and challenge the extent to which they are protected in the legal system of the Islamic Republic of Iran. The defense rights of the accused during the trials have been guaranteed in international agreements including the International Covenant on Civil and Political Rights as well as in the domestic arena in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. However, no effective measures have been taken in the rules in order to help achieve these rights. One aspect of this law is the accused's right of silence during the prosecution, investigation and trials which has been described adequately in the 2012 Law unlike the previous law. The accused's right of silence is in accordance with the human rights principles. Any authority, including the judicial authorities and the police cannot force an accused person to confess guilt or to lie against themselves. The Principle 38 of Constitution of the Islamic Republic of Iran explicitly prohibits obtaining confessions through the use of compulsion and force. Moreover, the silence of the accused cannot be considered to indicate the accuracy of an event or act, because if we interpret the silence of the accused in his language, we have deprived them of their own right to remain silent. One of the important issues of criminology is why secondary victimization occurs. With the arrest and punishment of offenders on the one hand and the experiences of committing crimes for victims on the other hand, victims are expected not to return to crimes. However, the field studies and statistics show otherwise. One of the theories about the causes of secondary victimization is the Criminals Rational Choice Theory, according to which criminals choose their potential targets consciously and rationally. One result of adopting this theory is that the logical analysis of situations paves the way for re-victimization of victims in some cases.

Keywords: accused person, right of silence, secondary victimization, Criminal Procedure Act, fair trial
